

تذکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه ۱۴ بهمن ماه ۱۳۲۰

فهرست مطالب :

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - معرفی آقای زرین کفش به معاونت وزارت دادگستری .
- ۳ - بقیه شور لایحه املاک و اکناری .
- ۴ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس يك ساعت و سه ربع پيش از ظهر بر ریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید
صورت مجلس روز یکشنبه ۱۲ بهمن ماه را آقای طوسی (منشی) قرائت نمودند

۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ (گفته شد - خیر)
صورت مجلس تصویب شد .

۲ - معرفی آقای زرین کفش به معاونت وزارت دادگستری

وزیر دادگستری - اجازه میخواهم از مجلس شورای ملی که آقای زرین کفش را که دارای سوابق بسیار خوب در خدمات دولتی هستند به معاونت وزارت دادگستری به مجلس شورای ملی معرفی کنم (جمعی - مبارک است)

۳ - بقیه شور اول لایحه املاک و اکناری

جمعی از نمایندگان - دستور ، دستور .

رئیس - لایحه املاک مطرح است . آقایانیکه در جلسه قبل اجازه خواسته بودند بعضی صحبت کردند و بعضی صحبتشان باقی است . آقای دکتر جوان
دکتر جوان - بنده عقیده دارم که در کلیات با اندازه ازوم صحبت شده است و در ماده اول هم میشود تا اندازه در کلیات صحبت کرد . عرایض بنده راجع به ماده اول است که در آن ورقه هم نوشته ام و در جلسه گذشته هم عرض کردم اگر آقایان اجازه بفرمایند وقتی که در مواد وارد شدیم عرایض خودم را عرض کنم .
رئیس - آقای یمین اسفندیاری .

(مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵)

عین مذاکرات مشروح بیستمین جلسه از دوره سیزدهم قانون گذاری

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

- غائبین با اجازه - آقایان : محمدضیائی - معطاءالله بالبری - مصمم سنگک - دهستانی .
- غائبین بی اجازه - آقایان : رضوی - تولیت - مهدوی - هلایری - هوفر - صدر - محبتلاریجانی - ناصری - خواجه نوری - مؤیدفواهی - اصلهانی - فاطمی - دکتر ادهم - جهانشاهی - آصف - سلطانی - صادق وزیري - مهمل .
- دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : مهدوی خراسانی - دکتر سیهی - اکبر - حبیب پور - خسروشاهی - مستشار .

همین اسفند پاری - بنده هم فعلا عرضی ندارم وقتی که در مواد وارد شدیم عرایض خود را عرض خواهم کرد رئیس - آقای انوار .

دکتر جوان - پس وقتی که آقایان در نظر دارند در کلیات مذاکره بفرمایند بنده هم استفاده میکنم از حقم انوار - بنده هم تبعیت میکنم از آقای دکتر جوان و در ماده اول صحبت میکنم .

رئیس - رأی گرفته میشود . . . طباطبائی - بنده در کلیات اجازه خواستهام کافی نیست مذاکره در کلیات .

همزه تاش - در مواد صحبت بفرمائید رئیس - رأی گرفته میشود بورد در شور مواد موافقین قیام فرمایند (اغلب برخاستند) تصویب شد . ماده اول :

ماده ۱ - شکایات و دعاوی اشخاص نسبت با املاک و اموال غیر منقولی که از طرف اعلیحضرت پادشاه سابق با اعلیحضرت همایون شاهنشاهی محمد رضا شاه پهلوی منتقل شده و بموجب فرمان ۳۰ شهریور ۱۳۲۰ بدولت انتقال یافته است بموجب مقررات این قانون رسیدگی و قطع و فصل میشود .

رئیس - آقای دکتر جوان

دکتر جوان - بنده زیاد لازم میدانم در اطراف این قانون صحبت کنم چون آقایان همه موافقت دارند و این قانون تنها برای شهرستانهای شمال ایران نیست بلکه برای تمام ایالات و ولایات ایران است همینقدر عرض میکنم همان اندازه که ورامین برای طهران اهمیت دارد چون سر و کار این قانون هم با مازندران و گیلان است مازندران و گیلان هم بعقیده بنده و آقایان انبار آذوقه تمام ایران است از اینجهت این موضوع برای تمام ایران اهمیت دارد و یگانه چیزی که برای خانواده های ایرانی در مورد حوادث یا کمیابی آذوقه بدرد عائله های ایرانی میخورد همان چند من برنجی است که در خانه ها پیدا میشود . آقایان فرمایشاتی که کردند راجع بکلیات البته در کلیات امر مؤثر است ولی بعقیده بنده بایستی يك پیشنهاد های عملی راجع به طرز اجرا و جریان

این امر تقدیم شود و نظر آقایان از نقطه نظر خوبی و عملی بودن طرز عمل جلب شود و آن بهترین وسیله برای این امر است در هر صورت بنده عقیده دارم که این قانونی را که وزارت دادگستری آورده اند قانونی نیست که اشکالات امروزی مردم و این کار را حل کند و بنده خیلی ضروری میدانم که صحبت چون از کلیات خارج شد و در مواد وارد شدیم بیشتر در قسمتهای عملی این قانون وارد شویم و صحبت کنیم که آیا این طریق که دولت در این قانون در نظر گرفته عملی است یا عملی نیست بعقیده بنده نه تنها این قانون عملی نیست بلکه بدرد این مردم و خود دولت هم نخواهد خورد بلکه راههای خیلی بهتری هم هست . بعقیده بنده مشکل ترین موضوع حقوقی با این که وقتی روی کاغذ می آید فهمش برای همه ممکن نباشد ولی ریشه آن از بین افکار توده گرفته شده است امروز بنده درست است که عقیده دارم مجلس دفعه نمیتواند این قبالات و اسناد را لغو بکند باین فرمول اگر اقدام کند ممکن است يك زحمتی پیش بیاید فرض بفرمائید امروز مجلس آمد این قبالات و اسناد را لغو کرد بعد از این املاکی که دست دولت است بایستی به مردم و صاحبان آن داده شود بالاخره يك راه و طریق لازم دارد . بنده عرض میکنم ممکن است الفای این اسناد را بموجب قانون باید عملی کرد که هم منظور تمام آقایان تأمین شود هم منظور دولت و هم منظور تمام مالکین و صاحبان تمام املاک و مازندرانی ها و گیلانیها تأمین شود بنده برای اینکه میخواهم بیشتر در قسمتهای غیر عملی صحبت کرده باشم در این قسمت بنده زیاد مطالعه کرده ام و چون این حرفه من است در این قسمت بنده يك پیشنهادی تهیه کرده ام بجای بیست و پنج ماده ای که دولت تنظیم کرد ده ماده پیشنهاد کرده ام و تقدیم میکنم ولی لازم میدانم که چون کلیات آن با این قانون خیلی تفاوت دارد بلکه خیلی کمتر از این است و بنده چون با فرد فرد موادی که دولت تنظیم کرده است مخالفم و عملی میدانم البته چون بنده می بینم تمام آقایان پیش از آن اندازه که تصور میشود در موضوع

این قانون علاقه دارند و میخواهند طوری حل شود که هم دولت راحت شود و هم مردم يك ترتیبی از نقطه نظر حقوقی گرفته ام و تقدیم میکنم و کلیات آنها را بطور خلاصه عرض میکنم و در یکی یکی آنها توضیحات لازم عرض میکنم و چون بنده متأسفانه عضو کمیسیون دادگستری نیستم و دعوت هم نشده بودم آنجا هیچ صحبتی نکردم در این قانون اولاً ماده است هر ماده اش را تنها آقایان قرائت بفرمایند ممکن است يك بواقعی درس بنظر برسد ولی بعقیده بنده اگر تمام ده ماده در نظر گرفته شود آن اشکالی که بنظر میرسد در حل این موضوع همه آنها را حل خواهد کرد . حالا عرض میکنم وزارت دادگستری در این قانونی که آورده چنین تصور فرموده که باید حل هر موضوع بوسیله دادگاه باشد یعنی محتاج دانسته است باینکه هر قضیه ای باید از نظر قضائی حل بشود بنده این را صحیح میدانم و آقایان ضمناً تذکراتی دادند و بنده قابل توجه میدانم و آن این است که حل صد هشتاد این قضایا يك عمل اداری لازم دارد اولاً بنده در ماده اول بطور کلی در دو ماده پیش بینی کرده ام . این املاک دو قسمت است يك قسمت املاکی بجهت که بموجب قبالاتی که گرفته شده از سه هزار تومان همانطور که قانون هم در نظر گرفته کمتر است و يك قسمت بیشتر است چون بنده حقیقه از این نظر دولت هم تشکر میکنم که تا این اندازه موافقت کرده اند برای حل موضوع که تا سه هزار تومان پرداختی از مالکین یعنی آلهائی که پول گرفته اند استرداد اشود بنده در اینجا نوشته ام راجع به قبالات و اسنادی که مبلغ پرداختی آن از سه هزار تومان کمتر است دولت را مکلف کرده ام که در آن عملی که در ماده چهارم مصرح است يك عمل اداری انجام بدهد یعنی این املاک را بقصر کسان که انتقال داده اند بدهند چون تشخیص تصرف کسی عمل قضائی لازم دارد این املاک را آلهائی که از سه هزار تومان کمتر است با قبالت اش آن شخص شاکی ها همه میدانند بموجب کدام قبالت بموجب چه نمره ای در کدام محضر از اینها گرفته شده قبالتشان را باز میکنند اگر اسم و هویت آن

شاکی در آن قبالت باشد که ملك را انتقال داده است بمأمورین اعلیحضرت شاه سابق فوراً آن ملك را بدهند بآن انتقال دهند که در قبالت هست چون مبلغش هم از سه هزار تومان کمتر است يك عمل اداری لازم دارد و فوراً آن قبالت را لغو بکنند و آن ملك را نه اینکه عرض بکنم به تصرف متصرف بدهند . بتصرف انتقال دهند بدهند چون تشخیص تصرف عمل قضائی لازم دارد البته اسم در قبالت هست و این موضوع حل میکند ولی اشکالاتی دارد که استدعا میکنم توجه بفرمائید بنده اشکالش را حل کرده ام (اورنگ - این قانون هم همینطور است) نه اجازه بدهید . این قانون اینچنین است این عمل را داده است بداد گاه یعنی گفته است رسیدگی بکنند ولی نگفته است که بدهند بدست انتقال دهنده گفته است بدهند بدست متصرف سابق و این موضوع عمل قضائی لازم دارد بنده نمیگویم بداد گاه برود قبل از اینکه محتاج باشد بنده پیش بینی کرده ام حالا بعد از اینکه تطبیق پیدا کرد تقاضا کننده نامش با آن قبالت و از سه هزار تومان کمتر باشد فوراً آن را لغو میکند ملك را میدهد بدست انتقال دهنده بدون اخذ وجه پرداختی امام معاملات که مبلغ پرداختی آن از سه هزار تومان بالاتر است اینجا هم دولت باز باید همین عمل را بکنند یعنی ملك را بدهد بدست انتقال دهنده منتهی با گرفتن آن مبلغی که گرفته است در این دو ماده تفاوتی که قائل شده ام این است که تا سه هزار تومان دولت را مکلف کرده اند این کار را بکنند ولی پیش از سه هزار تومان را چون آقایان البته تصدیق میکنند که اعلیحضرت شاه سابق در اوایل سلطنتش يك معاملات کرده اند که تقریباً از روی رضا و رغبت قیمت واقعی را پرداخته است ما نباید دست دولت را در این قسمت باز بکنیم در شق دوم بنده آنجا اختیار دادم بدولت که کلیه معاملات و نقل و انتقالات که هست دولت يك عمل اداری با آنها انجام بدهد مراجعه بکند اما کسی آنها را لغو کند وقتی تشخیص داد که آنجا ساختمان مهم نشده یعنی تشخیص این يك عمل قضائی نیست يك ملكی است دست خود دولت که میداند و می بیند که در

فلانجا کاخ ساخته شده است عمارات مهم ساخته شده است قباله و ملک معین است اگر دید انتقال دهنده معین است در ملک هم ساختمان زیادی شده است این را بدهد بدست انتقال دهنده حالا اینجا يك اشكال مهمی در پیش می آید و ممکن است آقای وزیر داد گستری هم این ایراد را بکنند و استدعا میکنم آقای وزیر هم توجه بفرمایند (خوب ایشان هم که گوش نمیدهند) اشکالی که این کار خواهد داشت یعنی باز کردن قباله و دادن ملک بدست انتقال دهنده اشکال عمده اش این است که مالک اصلی حاضر نشده است قباله بدهد ولی يك کسی را یا امر شده است یا يك کسی برخلاف واقع خودش را متصرف قلمداد کرده اگر بنا باشد ما بپاییم يك جا بتصرف انتقال دهنده بدهیم ممکن است يك کسی استفاده کند این را هم بنده يك راه حلی پیشنهاد کرده ام که جلو گیری شود و آن این است که ما میدانیم پادشاه سابق خیلی دقت داشت که که املاک را از دست مالکین بگیرد یعنی يك ملک را که میتواند بزور و غصب از دست مالکین بگیرد علت نداشت که برود بکنفر غیر مالک را بیاورد و از قباله بگیرد بنده در اینجا يك ماده نوشته ام قسمت چهارم در این ماده میگویم که اگر آن انتقال دهنده که در قباله نوشته شده در زمان انتقال متصرف نبوده در ملک خوب قاعده هم نباید بگوید من استفاده میکنم بتصرف من بدهید اگر متصرف نبوده و امروز بپاید يك سوء استفاده ای بکنند و بگویند که من انتقال دهنده بودم این ملک را بتصرف من بدهید بنده يك کیفری برای او پیش بینی کرده ام بنده اینجا شش ماه تا دو سال پیش بینی کرده ام

اورلک - ملک چه میشود . من کیفر را نمیگویم .
دکتر جوان - و قیقه بتصرف کسی داد که او انتقال داده است همان وضعیت آبروزی پیدا میشود اینجا هم پیش بینی کردیم که اختلاف بچه وضع حل شود بنده اینجا هم پیش بینی کردم که اگر آن انتقال دهنده آبروز متصرف نبوده است رفع اشکال بچه وسیله بشود . همانطور که عرض کردم ممکن است در نظر اول اینطور استنباط شود که اشکال

حل خواهد شد اینطور نیست حل اینهمه موضوعات را نمیشود منحصر کرد بیکسوی دوتا یا سه ملک بنده اینجا نوشته ام مطابق مواد قوانین مدنی و سایر قوانینی که منافات با این قانون نداشته باشد باید حل شود بطور کلی محاکم اختصاصی صحیح نیست برای اینکه این محاکم که میفرمایند ما نباید نسبت بمحاکم فعلی خودمان اظهار بی اعتمادی بکنیم خوب محاکم فعلی خودمان حقوق مردم دست اینها است و اینها بجهة کارها رسیدگی میکنند اگر بنا باشد محاکم اختصاصی باین معنی که اینجا پیش بینی شده است تشکیل شود اولاً تشکیلش خیلی مدت لازم دارد دوم اینکه از تشکیلش گذشته در رسیدگی اگر بنا باشد همه در مرکز رسیدگی شود چهل و چند هزار عرض حال میرسد و تمام شدنی نیست اگر بنا باشد سیار باشد هزاران اشکال دیگر دارد این است که بنده بیشتر توضیح نمیدهم اگر اجازه فرمایند بنده این زحمت را از آقای طوسی کم میکنم و چند ماده اش را قرائت میکنم و علت اینکه بنده در ماده اول صحبت کردم برای این است که در هیچیک از مواد دیگر صحبت نخواهم کرد ولی با تمام مواد چه در طرز تشکیل دادگاهها چه در طرز رسیدگی ها مخالفم و عملی نمیدانم فقط این مواد را میخواهم ماده اول تقریباً ماده اول همان است که در اینجا نوشته شده قرائت نمیکند ماده دوم : دولت مکلف است بهر ترتیبی مقتضی بداند اسناد مالکیت و یا اسناد انتقال املاکی را که اعلیحضرت شاه سابق یا مأمورین ایشان از اشخاص گرفته اند و بهای پرداختی بهر انتقال دهنده بیشتر از سی هزار ریال بوده و در آن املاک ساختمان عمده و یا تغییرات مهمی داده شده باشد باطل نموده ملأشرا با استرداد و دریافت بهای آن تقدماً باقسط بدهد . موضوع ماده چهارم : کسائیکه در تاریخ انتقال با اعلیحضرت پادشاه سابق یا مأمورین ایشان در ملک مورد انتقال تصرف نداشته و بر حسب امر آن شاه و یا رؤسا ملک را انتقال داده باشند و در موقع اجرای این قانون نیز درخواست تصرف بکنند در همینجا يك کیفری برای ایشان معین شده است اما قسمت غصبی که مهم است بنده اینجا معتقد هستم که دولت میتواند يك عمل اداری بکند و آن این است که آنها بیکه غصب شده يك

ماده سوم - دولت میتواند اسناد مالکیت (افشار - ماده اول مطرح است) میدانم ولی آقای افشار چرا نمیگذارید بنده صحبت را بکنم مگر خلاف قانون است ؟ چون بنده

اگر راجع بمواد دیگر باز صحبت میکنم حق با شما بود ولی موادی که بنده پیشنهاد کرده ام در مواد دیگر نیست چه مانعی دارد که عرض بکنم .
چند نفر از نمایندگان - بفرمائید .

دکتر جوان - ماده سوم : دولت میتواند اسناد مالکیت و یا اسناد انتقال املاکی را که اعلیحضرت پادشاه سابق یا مأمورینشان از مردم گرفته اند .

رئیس - آقای دکتر شما اینجا نوشته اید که در ماده اول صحبت میکنید آخر اینها جواب دارد یکی یکی مواد را در موقعش بخوانید جواب میدهند . شما مطلبتان در ماده اول بود ماده اول را تمام کنید بعد برویم سر مواد دیگر .

دکتر جوان - جناب آقای رئیس اگر موادی که اینجا نوشته شده شبیه بود بمواد دیگر بنده نمیخواندم و توضیح نمیدادم ولی هیچیک از مواد این قانون ارتباط با این موادی که بنده پیشنهاد کرده ام ندارد . بنده در کدام ماده صحبت کنم . اجازه نمیدهید صحبت بکنم .

جمعی از نمایندگان - پیشنهادتان را بفرستید بکمیسیون .

دکتر جوان - پس اجازه بدهید بنده صرف نظر میکنم از اینکه تمام را بخوانم ولی اجازه بدهید دوسه تا پیش را بخوانم ماده سوم - دولت میتواند اسناد مالکیت و یا اسناد انتقال املاکی را که اعلیحضرت پادشاه سابق یا مأمورینشان از اشخاص گرفته اند و بهای پرداختی بهر انتقال دهنده بیشتر از سی هزار ریال بوده و در آن املاک ساختمان عمده و یا تغییرات مهمی داده شده باشد باطل نموده ملأشرا با استرداد و دریافت بهای آن تقدماً باقسط بدهد . موضوع ماده چهارم : کسائیکه در تاریخ انتقال با اعلیحضرت پادشاه سابق یا مأمورین ایشان در ملک مورد انتقال تصرف نداشته و بر حسب امر آن شاه و یا رؤسا ملک را انتقال داده باشند و در موقع اجرای این قانون نیز درخواست تصرف بکنند در همینجا يك کیفری برای ایشان معین شده است اما قسمت غصبی که مهم است بنده اینجا معتقد هستم که دولت میتواند يك عمل اداری بکند و آن این است که آنها بیکه غصب شده يك

موضوع غصبیت که بنده پیش بینی کرده‌ام و خیلی زیاد است چون کسانی ادعا دارند که ملک از آنها غصب شده است اگر آنها بخواهند در ماهیت دعوی بعنوان غصب ادعا نکنند ماهی ندارد ولی اگر بخواهند بعنوان تصرف عدوانی بروند عرض حال بدهند باعث ایجاد زحمت خواهد شد زیاد در ماهیت امر ما مجبور نیستیم اسناد بیاوریم فقط بتصرف باید رسیدگی کنیم بنده اینجا قید کرده‌ام که این اختیار را دارد منتهی این مدت تصرف شاه سابق از بین می‌رود و شامل مرور زمان نمیشود و ادعای آنها قبول میشود و بطوریکه عرض کردم اشکال هر ماده در مواد دیگر پیش بینی شده است اولاً تطبیق و توزیع میشود آقایان هم هر تصمیمی گرفتند صحیح است وزیر دادگستری - بنده میدانم که آقایان فرمایشات ایشان را در موضوع مواد یک بیاید بفرمایند بعداً اگر لازم بشود عریضی عرض کنم ولی برای اینکه سوء تفاهمی پیش نیاید و از ابتدای کار ما هیچوقت از جداده حقیقی منصرف نشویم لازم دیدم که بعضی توضیحات اینجا داده شود تا اینکه صحبت و مذاکرات در مجرای صحیحی بشود و طول نکشد مقصود همه این است که این کار البته با کمال دقت و حفظ حقوق مردم زودتر انجام شود و رفع درد سر و اشکالات بشود اگر ما بخواهیم زیاد در الفاظ و عبارات صحبت بکنیم و گوش بکنیم شاید جا دارد ولیکن اینجا موقعش نیست اگر بآنها بپردازیم وقت مردم تلف میشود عرض کنم که بنده فرمایشات آقایان کتر جوان را با کمال دقت گوش دادم و خیلی هم میل دارم مثل همیشه که استفاده کنم از تذکراتی که در او ایستح قانونی مخصوصاً در این لایحه داده میشود البته پیشنهادهای که ایشان کرده‌اند در کمیسیون مورد دقت قرار میگیرد آنچه هم که باید اصلاح شود در لایحه اصلاح میشود ولی اینجا لازم است بطور کلی عرض کنم بنظر بنده آقایان کتر جوان آن دقتی که میبایستی در لایحه دولت بکنند آنچه را که کمیسیون اصلاح کرده است و مجلس پیشنهاد کرده است نکرده‌اند برای اینکه اگر دقت لازم را فرموده بودند مسلماً باین نتیجه میرسیدند تمام این مطالبی

که ایشان تذکره کرده‌اند در اینجا پیش بینی شده است و شاید بنده اینطور بنظر می‌آید که آن راه حلی که کمیسیون در نظر گرفته بهتر باشد اولاً يك اشتباهی در اینجا دست داده است که خیال کردند مابسط محکمه و دادگاه خواسته‌ایم اینجا بگسترانیم هیچ اینطور نیست عبارات و کلمات پیشنهادی کافی است و بنده هم در کمیسیون عرض کردم خیلی تأسف دارم که آقایان کتر جوان تشریف نیاوردند (دکتر جوان - اجازه نداشتیم) و مطالب خودشان را اینجا میفرمودند که مورد استفاده واقع میشد و بهتر نتیجه گرفته میشد ولی بنده آنجا عرض کردم که ما برای اینکه حتی المقدور وقت از مردم کمتر تلف شود و هر چه ممکن است زودتر به نتیجه برسیم بخواهیم بساط داد خواهی و دادگستری بگسترانیم و تشریفات محاکمه و محکمه و دادگاه را در اینجا رعایت بکنیم بخواهیم حتی المقدور یک دستگامی باشد يك هیئت رسیدگی کند که زودتر نتیجه بمردم عاید شود برای اینکه این دستگام دستگام قضائی نباشد کار را اساساً آمدیم سبک کردیم چه کردیم گفتیم که اینجا صحبت سر چیست صحبت سر این است که املاکی که از مردم گرفته شده یا خریده شده یا غصب شده‌ام از اینکه غصب شده یا گرفته شده که هر دو اش هم پیش بینی شده‌اند اگر که غصب شده است رد شود فوراً اگر خریداری شده است آهم بهمان ترتیب داده شود اما بکی رد شود ؟ بآن کسی که متصرف بوده است در حین انتقال مخصوصاً هم فروشنده نگذاشتیم برای اینکه بساط اطلاع داریم که فروشنده گانی بوده‌اند که متصرف نبوده‌اند یا اینکه خودشان سوء بینی داشته‌اند یا وسائلی فراهم شده است که آنها آمده‌اند معامله کرده‌اند و بدون اینکه رضایت داشته باشند این معامله را کرده‌اند باین جهت ما آمدیم و گفتیم به متصرف داده شود این است که تشخیص تصرف يك کار خیلی ساده است بنده اینجا يك آماری هم دارم که اگر آن رویه ای را که کمیسیون تصویب کرده است و بمجلس آمده است عمل شود در يك قسمت صدی صد و بعضی قسمتها صدی نود و بعضی قسمتها کمتر حل خواهد شد مطالب از روی دقت و مطالعه پیشنهاد شده

است مسئله است که باید باو رسیدگی کرد و نمیشود از آن احتراز کرد باید ما مسلم بدانیم که در آن موقعی که معامله واقع شده متصرف واقعی ملک که بوده ما برخلاف تصور آقایان کتر جوان بخواهیم تمام مذاکرات و دعاوی اولیه را جمع باین املاک را در این هیئت های رسیدگی حل بکنیم خیر آقایان کتر جوان منظور ما این بوده است که تشخیص متصرف را بدیم باقی دعاوی بطوریکه در این لایحه پیش بینی شده باقی بمحکمه دیگر می‌رود یعنی اگر از بابت این املاک اشخاص دعاوی داشته باشند کار محکمه نیست کار این اشخاص نیست کار این اشخاص این است که تشخیص تصرف آن روز را بدهند از اینکه درست باشد یا نباشد رسیدگی میکنند متصرف را که تشخیص داد ملک را میدهد باو و هر دعاوی دیگری که باشد می‌رود بداد گاهها پس فرض اینکه اشکالات زیاد در اینجا تولید بشود بنظر بنده منتهی است و کاملاً این مطلب برخلاف تصور بعضی ها که گمان میکنم دقت شایان نکرده‌اند کاملاً این راه عملی است و ملاحظه هم خواهید فرمود بعد از اینکه عملی شد خوب هم نتیجه گرفته خواهد شد ممکن است يك چیز هائی هم فراموش شده باشد آقایان تذکره میدهند آنها را هم اضافه میکنیم ولی اصل مطلب و ریشه کار و راه اصلی همین است غیر از این هم هر چه مذاکره کردیم هم در کمیسیون و هم در بین خودمان راه دیگری بنظر نمی‌آید و این سهلترین راه است يك اشتباه دیگری هم کردند و خیال کردند که ممکن است اشخاصی من غیر حق بیایند و ادعائی بکنند و گفتند که ما برای اینکه ممکن است متصرفی در آن موقع متصرف نبوده و خود را متصرف جلوه داده یا معامله را غیر متصرف کرده است بیاییم و کیفر قرار دهیم بنظر بنده نقض غرض است محکمه که بیایستی تشخیص متصرف را بدهد بعد از اینکه تصرف احراز شد و ملک را بصاحب حق بدهند اگر بنا شود داخل در موضوعات کیفری شود بنظر بنده این قافله تا بحشر لنگ خواهد بود مخصوصاً جای رسیدگی جزائی در اینجا نخواهد بود آنکسی را که آقا می‌خواهید مجازاتش بدهید بسا میشود که تقصیری نداشته

قسمتش را دولت میتواند بصاحبانش بدهد و اینها آن قسمتهائی است که نام آنها قبل از تصرف اعلیحضرت سابق در دفاتر ثبت قید شده یعنی سند مالکیت داشته است و حالا اشخاصی که ادعا میکنند و نام آنها در دفاتر املاک سابق قید بوده ملک را بدهند بستم آنها اما از اینها گذشته قسمت های دیگر که اقامه میشود در دادگاهها بنده معتقدم که موضوع غبن که اینجا گفته شده اساساً نباید پذیرفته شود یعنی موضوع غبن اینجا نمی‌آید چون غبن وقتی است که انتقال دهنده راضی بود بمعامله بعد آمده میگوید من اشتباه کرده‌ام و مقبوض بوده‌ام و ارزان فروخته‌ام ولی اینجا همه جا اجبار است و مالکین حرفی که میزنند میگویند ما اختیار نداشتیم ما را زور بردند محض و قبالة را گرفتند از این قسمت بنده میگویم در ماده آخر پیش بینی کرده‌ام و قرائت میکنم بعد هم دیگر صحبت نمیکنم ماده هشتم - کسانی که اسببت تصمیم دولت بر طبق مواد ۳ و ۵ و ۶ این قانون موافقت نداشته باشند و کسانی که دولت اسببت بآنها در مدت مقرر در ماده ۶ تعیین تکلیف ننموده باشد میتوانند دعاوی زیر را بطرفیت با وزارت هارائی اسببت به املاک و اگذاری طبق قانون آئین دادرسی مدنی اقامه نمایند ولو اینکه سند مالکیت بنام اعلیحضرت شاه سابق صادر شده باشد در هر صورت مدت تصرفات شاه سابق تا تاریخ تصویب این قانون جزء مدت مرور زمان محسوب نخواهد شد این دعاوی اولاد دعوی ملکیت بعنوان اجبار در معامله باید بگویم بعنوان اجبار از بنده گرفته شده . دوم - دعوی ملکیت بعنوان اینکه هیچ پول بمن ارسیده این هم يك موضوعی است ممکن است اجبار در بین بوده ولی پول در بین نبوده سوم دعوی بهای ملک یا تفاوت قیمتی که خود دولت در این قانون پیش بینی کرده است که در آنجا ساختمان شده است باید پذیرفته شود چهارم دعوی رفع اختلاف در حدود ملک این هم زیاد است باید پذیرفته شود پنجم دعوی ملکیت بعنوان غاصبیت شاه سابق که در این جا هم دولت میتواند بتصرف آنکسی بدهد که اسمش هست و باید رسیدگی شود ششم دعوی وقفیت این هم يك موضوع فقط قسمتی که باقی میماند

آنکسی که متصرف نبوده معامله را کرده شاید متصرف نبوده که معامله را کرده و این لازم نیست که مجازاتش کنیم و احتیاج نداریم که بساط کیفری را اینجا بگسترانیم عرض کردم بیشتر اشتباه از اینجا ناشی است که ما خیال کردیم کلیه کارهای راجع باین املاک را در این هیئت ها انجام بدهیم اینطور نیست و اما راجع باسناد مالکیت بطوریکه در مواد خواهیم دید و برپروز هم بنده تذکره دادم همانطور که پیش بینی شده است سهلترین راه و بهترین راه همین است و الغاء هم میشود منتهی کی الغاء میشود؟ و قتیکه متصرف معلوم میشود آنوقت سند مالکیت را الغاء میکنند قبل از وقت که لازم نیست سند مالکیت را الغاء کنند و بسا معاملات واقع شده است که سند مالکیت صحیح است و هیچ صحبتی هم درش نیست و چرا ما بیائیم و اسناد مالکیت صحیح را هم مانع بکنیم میفرمایند که چند عمل اداری کافی است و عمل قضائی لازم نیست این قانون طوری تهیه شده است که هم جنبه اداری دارد هم جنبه قضائی باین معنی که عمل قضائی را ساده و بدون تشریفات انجام میدهد یک هیئتی را که این قانون بآب صلاحیت داده است این عمل را بخوبی میتواند انجام بدهد و اسناد مالکیت را هم بعد از تشخیص الغاء میکنند اما راجع باسناد مالکیت که قبلاً داده شده است اگر آقای دکتر جوان توجه بفرمایند بلاوجه (و مسلماً توجه فرموده اند) که ما در اینجا قید کردیم اسناد مالکیتی که قبلاً داده شده است آنها را قیمت و اعتبار بهش دادیم صرف نظر از اینکه اسناد مالکیت روی این معاملات صادر شده باشد گفته شده است قبل از اینکه انتقال داده شود اسناد مالکیتی که برای این معاملات تنظیم شده است باطل شده است و اگر سند مالکیتی که قبلاً بوده است آن بقوت خودش باقی است و اگر جریان ثبتی طی شده دیگر احتیاجی ندارد که از او طرح بکنیم پس این منظور هم حاصل است. مطالب دیگری که تذکره دادند موضوع غبن است که باز بنظر بنده یک اشتباهی برای ایشان حاصل شده ما بهیچوجه وارد موضوع غبن نمیشویم بنده برپروز هم تذکره دادم مخصوصاً وارد شدیم که اشکال را از پیش پای مردم

برداریم برای اینکه ممکن است مواردی پیش بیاید که تفاوت قیمت داشته باشد آن تفاوت قیمت را در نظر گرفتیم حتی از استعمال کلمه غبن هم در قانون احتراز کردیم برای اینکه کسی فکرش نرود که باید احراز غبن شود و آنوقت آن مقرراتی که برای موضوع غبن از حیث فوریت و چه و چه هست تثبیت شود و اسباب زحمت مردم فراهم شود همه اینها ازین برداشته شده و یک راه حلی پیش پای اشخاص گذاشته شده که هر پیر زنی از اقصی نقاط دور افتاده میتواند بیاید و مطالب خودش را اظهار کند و نتیجه خودش را بگیرد و یکی هم راجع بهرور زمان و موقوفات بود این را هم اگر توجه فرموده باشید در لایحه هست ما اینجا مخصوصاً تصریح کردیم که در این مدت عملیات چندساله مشمول قانون مرور زمان نخواهد بود و کان لم یکن است این کاملاً قید شده و منظور هم حاصل است موضوع وقف هم باز اگر دقت فرمائید در ماده ششم است که نوشته شده اعم از مالکیت و وقفیت پس و قتیکه دعاوی راجع بمالکیت و وقفیت بود و لازم بود که وضعیت تصرف وقف محرز بشود احراز که شد ملک را میدهد بتصرف وقف تمام شد و رفت بنظر بنده اگر دقت بکنید در این مواد می بینیم که راه خیلی ساده است و بیخود خودمان را در اشکال میاندازیم و اذنان اشخاصی هم که وارد میشوند و تماشامیکنند و هنوز شاید حقیقت امر را نمیدانند اذنان آنها را مشوب میکنیم ما مقصودمان این است که هر چه زودتر این نتیجه حاصل شود و این املاک به مردم برسد و همانطور که عرض کردم در نتیجه این لایحه و قتیکه تصویب شود در بعضی قسمتها صدی صد بعضی جاها صدی نود و صدی هشتاد و هفتاد همینطور تسویه میشود و اکثرش خیلی هم سهولت میگردد حالا آقایان اگر فرمایشانی داشته باشند در مواد البته گوش میکنیم و در کمیسیون هم دقت میشود و اصلاحی که لازم باشد البته عمل نخواهد آمد.

رئیس - بنده هم در سهم خودم یک عرضی دارم و آن این است که تعجیل در گذشتن این قانون خیلی از واجبات است (صحیح است) برای اینکه یک دسته زیادی از مردم

محتاج و منتظر انجام این کارند (صحیح است) و اگر ما بخواهیم اینطور صحبت کنیم این بدست و پنج ماده بدست و پنج روز طول میکشد و این میرود بسال آینده در صورتیکه هر قدر ممکن شود باید این کار بطور سرعت انجام بگیرد (صحیح است). آقای بهبهانی فرمایشی دارید.

بهبهانی - البته هر کسی در این قانون نظریاتی دارد. همه آقایان مایلند که این قانون زودتر تمام شود در این باب البته نظر ها مختلف است بعضی ها خیال میکنند که یک طریقی پیش برود بهتر میشود بعضیها خیال میکنند یک طریق دیگری بنده مخالف نیستم یعنی موافقم در اینکه زودتر و سریعتر باید بگذرد که آقایان دیگر منتظر نباشند و کارشان انجام شود ولی نکاتی هست که باید گفته شود و اگر آن نکات گفته نشود قانون ناقص میماند و نقصان قانون موجب این است که بر معطلی آنها میافزاید پس اگر یک روز دو روز در اینجا دیرتر قانون بگذرد در عمل البته برای آنها مفیدتر است و برای مصلحت مملکت هم بهتر است بنده در اینجا یک صحبت هایی کردم ولی راجع بمسئله غصبیت که در عرایض سابقه کرده ام خودم یک پیشنهادی عرض کرده ام در آن پیشنهاد عرایضی میکنم و آن این است که یک فقره صحبت آقای دکتر جوان (البته آقای دکتر جوان هم یک پیشنهاداتی کرده اند) یک فقره صحبت ایشان این است که شاید در اوایل امر یک املاکی خریداری شده است که بنا رضایت صاحبان آن بوده است.

بنده میخواستم فقط یک نکته را برای تأیید عرض خودم تذکره کنم و آن این است که میخواستم عرض کنم که اول معامله ای که ایشان کرده اند معامله رودهن بود و آقایان میتوانند درست تحقیق کنند در مطلب که همین معامله اولیه را چطور گذردند چند روز فزونی در خانه صاحب این ملک بود چقدر پول باو دادند و چطور پول را از او پس گرفتند بنده میخواستم در ضمن عرایضم این را عرض کنم و این نکته مؤید عرایضم بود حالا هم ما در این قانون پیشنهاد میکنیم که در این ضمن این املاک بر گردد البته با آن املاک مقصوبه و البته باید گفته شود املاک مقصوبه یعنی

املاکی که غصب شده باید بر گردد اگر گفته نشود غصب اسباب اشکال میشود یعنی بعد از این در محاکمه این مسئله نظری و قضائی میشود و همانطور که آقای دکتر جوان فرمودند محتاج به مذاکره و مطالعه و اینها خواهد شد (صحیح است) وقتی که گفتیم که اغلب این املاک اینطور شده است و آن صاحبان و مالکین هم آمدند و ادعا کردند و آن محکمه هم محکمه رسیدگی است در واقع نه محکمه قضائی همینطور که آقای وزیر دادگستری توضیح دادند محکمه تقریباً محکمه اداری است نه قضائی، بلکه اگر یک قضائی هم معین میشود برای این است که نظریات قانونی را درست حفظ کنند و اگر یک جائی هم احیاناً محتاج برسیدگی شد چنانکه در همین قانون هم دارد که اگر کسی نداشت پول رسیدگی را بدهد یا دعوی افلاس کرد این دعوی هم بایستی در همان هیئت رسیدگی شود تا اشخاصی که آنجا نشسته اند یک نظر قانونی نداشته باشند نمیتوانند دعوی را رسیدگی بکنند بنا بر این بنده پیشنهادی کرده ام و نظر آقایان را جلب میکنم باین پیشنهاد خودم و انشاء الله در کمیسیون هم صحبت خواهد شد و امیدوارم آقای وزیر هم موافقت بفرمایند.

رئیس - آقای انوار

انوار - بنده یک موضوعی را تذکره میکنم به آقای وزیر دادگستری و لکل کلامه مع صاحبته مقام هر موقعی یک اقتضایی دارد یک موقعی بود که ما فضاوتی که میکردیم فضاوت حسب الامر بود و مراعات قانون اساسی و قانون مدنی در بین نبود شما می آمدید در مجلس و قانون اوقاف را می آوردید ما هم در کمیسیون می نشستیم بعد از داد و قال آخر رأی میدادیم چرا؟ بهلت اینسکه وزیر حسب الامر بود و می آمد میگفت باید بگذرد اما آقایان آن زمان گذشته حالا موقعی است که ما و شما همه مان عمل بقوانین بکنیم برپروز بود که اوشتید دولت مادمکرانی شده است دولت دمکرانی که شد باید مطابق دمکرانی و حکومت ملی کار بکنیم و بعد از آنکه ما بقوانین ملی کار کردیم دیگر در سختی هم نیستیم باید قوانین را محترم بشماریم بنده سه اصل قانون

اساسی را خدمت شما خواندم مطابق قانون اساسی تمام این معاملات سابق غصب است بعد از آنکه تمام معاملات غصب واقع شد این را شما بیائید عمل به قانون مدنی بکنید بعد هم مطابق همین مواد بنده با این مواد بیست و پنج گانه کاملاً موافقم شاید در بعضی موادش در بعضی جملاتی يك اشکالی باشد که در کمیسیون صحبت میکنم انشاء الله بجائی میرسد اصل را که ما درست کردیم خدا میداند بنده هیچ نظری ندارم مقصودم این است ما اصل را که در نظر داشتیم، عمل بقانون مدنی کردیم، عمل بسابقه ای که پدرها مان میگردند که لا تأکلوا أموالکم بینکم بالباطل الا آن تکون تجارة عن تراض آن را هم عمل کردیم، این چند روز از عمر ما را که خدا اینچور از ما گرفت ازش میگذریم و میگذاریم کنار و حالا که گذاشتیم کنار قوانین خودمان را میگیریم قانون مدنی و تمام قوانین را عمل میکنیم. آقای وزیر دادگستری تمام قوانین باید از قانون مدنی بیاید در قانون مدنی سه شرط برای معامله هست شرط اول قانون مدنی میگوید باید رضایت در معامله باشد کدام يك از افراد این مملکت از شرق و غرب میتواند تصدیق کند که شاه سابق عملی که کرده است از روی رضا بوده است این مأورینی که دارای این بناهای آسمان خراش شده اند از کجا آورده اند والله اینها همه مال این بدبختها بوده است همین پسر حاج عبدالرحیم و کیل التجار که اینجا نشسته است چه قدر اموالشان را گرفته است تحقیق کنید املاک اینها را از ماهی حشت تا سرحد خاقین همه را برده اند چه بهشان داده اند و هکذا در خراسان هکذا در گرگان والله راه چاره این است که بکلی آن بساط را برچینیم که تقویم پارینه ناید بکار دوره تجدید دوره حکومت مدنی است دوره آزادی است این است که بنده پیشنهادی کرده ام پریروز هم خواندم در آنجا هم باز عرایض میکنم امیدوارم قبول کنند پیشنهاد اولم این است که تقدیم میکنم (تقدیم مقام ریاست کردند)

رئیس - آقای دکتر سنک

دکتر سنک - بنده خواستم در این خصوص عرض کنم

که در ماده اول چون آقایان مذاکره فرمودند و پیشنهاد دادند بکمیسیون دیگر مزاحم نمیشوم و زاید میدانم که اسباب تصدیق آقایان بشوم ولی همانطور که از طرف مقام ریاست تذکر داده شد و همانطوری که بنده الان خدمت آقای معاون تذکر میدادم و ایشان با کمال مهربانی که دارند توجه فرمودند این است که این قانونی که بنایینچور دارد میگذرد تا بگذرد و برود عملی بشود هیچکس تصور نمیکند که از یکماه کمتر طول بکشد در صورتیکه الان دوماه است از موقع زراعت گذشته همانطور که آقایان نمایندگان کرمان، آقای دکتر ملکزاده اینجا راجع به قحطی و سختی کرمان و مازندران صحبت کردند و بنده از ایشان امتنان دارم خواستم يك ترتیبی اتخاذ بفرمایند که تا زراعت آتیه موقعش نگذشته است این قانون بگذرد که اقلاً مردم بدانند چه طور و بچه ترتیب باید زراعت بکنند و تا موقع نگذشته است شروع بکنند و چون الان دو ماه است که از موقع زراعت گذشته و دیگر موقع فوت میشود بنده يك پیشنهادی کردم راجع به اینکه جلسات هر روز تشکیل شود زودتر این پیشنهادها که همه میدانیم همه آقایان و هیچکس را نمی بینم در اینجا که نسبت به آقایان همراه باشد چه دوات و چه آقایان نمایندگان لیکن طرق متعددی دارند که باید باصل موضوع برسند بنده پیشنهاد کردم اگر صلاح بدانند عصر هم از سه بعد از ظهر جلسه را تشکیل بدهند که زودتر تکلیف مردم معلوم شود (صحیح است) دیگر در تابستان نمیشود شالی کاری کرد این شالی مازندران که شاید آقای هاشمی بودند یا آقای دکتر ملکزاده که فرمودند مازندران خزانه آذوقه ایران است حالا موقعش است این است که خواستم از آقایان خواهش کنم که عصر هم جلسه کنند فردا هم بکنند و جلسات را متعدد بکنند که زودتر این قانون بگذرد (صحیح است)

رئیس - آقای طباطبائی

طباطبائی - همه آقایان میفرمایند مطلب مهم است زودتر هم باید بگذرد دولت هم عقیده اش این است که زودتر بگذرد ولی ملاحظه بفرمائید الان ایستاعت بظهر است تازه

و آرد دستور میشود و الان ظهر هم میگذرد البته این فرمولی است برای کمتر صحبت کردن و برای اینکه زیاد در مطالب گفتگو نشود بدنیست. عرض کنم در اصل مطلب یعنی واگذاری این املاک باشخاص و صاحبان آنها کسی حرفی ندارد و در اینکه این واگذاری از يك راهی و بايك جریانی باید انجام بشود باز هم ما که منکر نیستیم البته شمردن چهار دانه کردیم وقت میخواهد و يك ترتیبی میخواهد اینکه آقای مؤید فرمودند چهل و چهار هزار سند مالکیت است که بقول آقای انوار خداهم اینقدر ملک ندارد این ناچار يك راهی میخواهد و اسباب و وسایلی برای انجامش میخواهد ممکن است مواد هم زیاد طول بکشد ولی در مواد ما عجله صحبت نداریم و بنده هم زیاد وارد در مواد نمیشوم و مطالعه هم نکرده ام چرا نزاع در اینها نیست در اصل مطلب باید صحبت کرد و آن این است که در دخل و تصرفاتی که در این املاک شده است بنده میخواهم ببینم نظریات وزارت دادگستری و دولت چیست آقایانها را شما غصبی میدانید یا خیر؟ عطاء بخشیدن عرض کنم اینها يك عنوان دیگری دارد خرید و فروش يك عنوان علیحده ای دارد تصرف عدوانی، غاصب بودن، غصب کردن يك عنوان علیحده ای دارد اگر بفرمائید که شما با ما هم عقیده نیستید که اینطور نیست دایلمش هم این است که اگر شما این املاک را مقصوبه نمیدانید این چه لایحه ایست که آورده اید. بچه دلیل میخواهید املاک يك عده را بدهید بیک عده دیگر برای چه؟ و اگر شما هم معتقدید (و عملتان هم دلیل است که با ما هم عقیده هستید) که این املاک مال مردم است و بزور و غصب بتصرف يك عده در آورده اند ده سال پانزده سال دخل و تصرف درش کرده اند محصولش را برده اند و هرطور دلشان خواسته (مالکانه البته) رفتار کرده اند خوب حالا این ها را میخواهیم پس بدهیم به کی؟ البته بصاحبانش، حالا چه جور پس بدهیم؟ البته در مواد باید دقت زیاد بشود بطور اجمال که بنده نگاه کردم البته مواد احتیاج باصلاح هم دارد برای اینکه این بیچاره هائی که ملکشان گرفته شده بعد

از ده پانزده سال گرفتار يك هیئت مخصوص هستند باحماکم هم سرو کار دارند وزارت دارائی هم در این عمل دخل و تصرف دارد تمام این تشریفاتی که در سایر محاکم هست در اینجا هم هست با يك اضافاتی. عرض میکنم مطلب اینجا است که ما میخواهیم يك سابقه بد را از بین ببریم میخواهیم که دولت و مجلس عملاً دو چیز را نشان بدهند یکی اینکه طرفدار باقی ماندن آثار خوب هستیم یعنی هر عمل خوبی هر اثر خوبی که برفع مملکت و برفع مردم ولو از هر کس صادر شده باشد باید نگهداری کرد و عملاً هم میخواهیم نشان بدهیم که ما بکلی مخالف آن عملیاتی که برخلاف اصول و قوانین و شرع و انصاف در دوره سابق رفتار شده هستیم و ما بکلی عکس آن میکنیم. در جلسه گذشته هم صحبت شده است که ما آمدیم املاک را گرفتیم درش پول خرج کردیم آباد کردیم. این یکی دوم اینکه اگر بخواهیم باشخاص بدهیم ممکن است بیش از آنچه حق داشته اند از ما بگیرند و یکی دیگر اینکه اینجا در مجلس بگویم خورد که مالکین خرده بگیرند و مالکین عمده بگیرند چرا؟ باید داده شود آقایان صحبت ها را باید کنار گذاشت ما که میگوئیم اصل مالکیت محترم است باید رعایت حق مالکیت را کرد این برای همه است خورده مالک هم ذی حق است باید حق خودش را ببرد دیگری هم که ده پارچه ملک دارد گناهی نکرده اگر واقفاً مالک بوده باید باو بر گردد و اما اینکه دولت آمده در این خرج کرده است نکند آقایان نوبی ملک مردم چرا خرج کرده! چرا بزور و جبر ملک مردم را تصرف کرده این جریمه است که بعد از این دیگر برخلاف اصول هیچکس از مقام خودش و نفوذ خودش سوء استفاده نکند و مردم را دچار بدبختی و مذلت نکند عرض کنم که يك مطلبی است که هم يك مثلی است که طلبکار ممکن است طلب خودش را فراموش بکند اما بدهکار اگر گفت بدهکار بودم فراموش کردم غالباً دروغ میگوید بنده خودم هم این عادت را دارم هر وقت بدهکار بودم تا بحال برایم پیش نیامده که بدهکاری خودم را فراموش

کرده باشم شما املاک مردم را گرفته اید و یک دفتر منظمی هم دارید که حتی یکشاهی هم آنجا قید شده است. شما امید دارید که این املاک چه جور گرفته شده است امید دارید صاحبان آن کی هستند؟! معین است آقا که در چه تاریخ بچه شکل و با دست چه اشخاصی از کی ها گرفته شده است بنام و نشان با جزئیات و کلیات همه چیزش در دفتر املاک نوشته شده است میخوانید معطل بکنید آقا! اگر نمیخواستید معطل بکنید از پنج ماه پیش شش ماه پیش که این مطلب بمیان آمد تا حالا شما چهارتا ملک را چهارتا زمین را چهارتا باغ خرابه را تشریف می آورید اینجا میگفتید میخوانیم اینها را پس بدهیم ولی نمی خواهید!!

رئیس - آقای اورنگ .

اورنگ - فعلاً عرضی ندارم .

وزیر دادگستری - بنده همه اش متوجه این هستم تذکراتی راجع به مواد داده شود که واقعا استفاده کنیم و مطالب را حل کنیم حالا که وارد مواد شده ایم راجع به هر ماده صحبت کنیم ولو پنج روز هم راجع بیک ماده صحبت کنیم وقت تلف نشده نتیجه گرفته ایم ولی اگر وارد مواد شویم ولی صحبت دیگر بکنیم بنظر بنده فقط وقت تلف کردن است یک مطلب اینجا تذکر داده میشود راجع با احترام حق مالکیت گمان میکنم این مطلب مورد نظر ما باشد و برای همین احترام حق مالکیت است که این لایحه آمده است و میخوانیم این مطلب را درست کنیم و این نتیجه را بگیریم (صحیح است) اشتباه میشود در مفهوم غصب آقایان میگویند آقای نماینده محترم آقای طباطبائی میگویند اینها همه اش غصب است اینطور نیست غصب یعنی چه مفهوم غصب را آخر درست در نظر میگیرید آوقت اطلاقی میکنید بمورد ببینید تطبیق میکنید یا خیر ممکن است کرده و اجبار و هزار عنوان دیگر درش باشد ولی عنوان غصب نباشد اما بطور مطلق نمیشود گفت همه اینها غصب است برای اینکه غصب یعنی مالکی گرفته شده باشد و عوضی داده نشده باشد (بهبهائی - بدون رضایت) رضایت امری است علیحده بنده وقتی آقا

رئیس - آقای اورنگ

اورنگ - بنده کاملاً بیانات آقای وزیر دادگستری را تا یک حدی و تا اندازه ای موافقم و همراه و تصدیق میکنم همه آقایان تسریع در امور این قانون را از مجلس شورای ملی خواستارند و همه هم تا کید کرده اند هم از قلوبشان آگاهم و هم از مذاکراتی که فرد فرد آقایان با بنده کرده اند میدانم همه آقایان مایلند که این قانون با سرعت بگذرد نتیجه گذشتن آن زودتر عاید خلق بشود این شبهه درش نیست و واقعا نیست نهایت این است که این فرمایش اخیر آقای وزیر دادگستری را کاملاً موافقم خیلی هم موافقم واقعا و حقیقه تصدیق میکنم که بگذریم از کلیات و آنچه را که کلی است و در ماده اول هم میشود صحبت کرد بگذریم و وارد مواد بشویم اگر اصلاحی بنظرشان میرسد راجع به ماده ای بطور تبصره یا اصلاح ماده پیشنهاد میکنیم برود بکمسیون و بر گردد و توضیح بدهیم و رأی بدهیم ولی اینجا دواصل است که تذکرش بدمورد نیست اطراف هر کاری یک قسم جنجالهایی ممکن است ایجاد بشود که آوقت قابوب و مغزما ممکن است حاضر نباشد و آوقت حاضر نباشد یا مرعوب بشود از اینکه رأی بدهد این عرض بنده برای آن روز است چون فردا یا پس فردا ما موافقه میشویم با آراء آقایان نمایندگان یکیش بنده باقی سایر آقایان وقتی که وهم را ما خیلی تقویت کردیم خود من از وهم خودم میترسم و این یک اصل فلسفی است سنائی خوب حرف میزند میگویند میآمدند شکل دیورا روی دیوار میکشیدند دو شاخ برایش میکشیدند و یک شلوار پایش میکردند و خال خال مشکمی هم برایش میکشیدند وقتی که نقش تمام میشد خود آن نقاش ازش میترسید

خود بخود نقش دیو میکردند پس زیمش غریب میگردند جیق میکشید . کی جیق میکشید؟ همان کسی که نقش کرده بود . من یادام است در همین مجلس شورای ملی مقدماتی ترویج میشد که نتیجه آن مقدمات قانون اوقاف شد . مقدمات را چه جور ترویجش کردند هر کس حرف وقف میزد ای آقا

ول کن چه چیز موقوفه موقوفه همه اوقاف برای عزاب عرب است مایک وقتی گفتیم برویم ببینیم عزاب عرب را رفتیم اداره اوقاف و در همین مجلس عرض کردم مجلات روز شاهد است رفتیم وزارت معارف و قفنامه ای پیدا کردیم مشیرالسلطنه مرحوم وقف کرده است سه دانگ دهی را که منافع آنرا که در سال پانصد یا هفتصد تومان میشود ببرند بدهند بیک دسته سادات هستند در مدینه که سادات بخواره هستند . اینها سادات فقیری هستند یکسال باید در مدینه بمانند که آن چهار نفر حاجی بروند و این پول را با آنها بدهند میخوانم عرض کنم آقایان سید یا هفتصد تومان را از محصول ملک خودش این مرد وقف یک عده سید شیعه اهلی مدینه کرده این چه ربلی به عزاب عرب دارد . این مقدمه بود نتیجه چه شد یک قانون آمد که همه وقفها را بدهید بدست ما دادیم دست آنها وقف شد تیم اول تیم دوم تیم سوم این تمام شد این را برای فردای رأی عرض میکنم ما همه مرعوب این بناها هستیم مرعوب همان عزاب عرب هستیم من با همه آقایان نذر میکنم از سی تجاوز نکنند اگر کرد کردن مرا بزاید سی محل است که در آن بنا شده است این ما را نترساند آقا! این را بگذاریم کنار مواد هم چهار تا پنج تا هفت تا اصلاح دارد آن آقایان که مالک این املاک هستند حاضرند آن بناها باز برویش مال شما باشد میگویند بنا کردی مال شما نوش جان این هتل مال شما حریتمش راهم من میدهم و احتیاطاً سبج می آئیم جاروش را هم بجاناً میکنیم . مال شما قبول نمیکنند این هوئی است اطراف این راجع بموادش هم اصلاح دارد چهار تا پنج تا اصلاح میکنیم ولی من یک عرض هم دارم برای خودم و آقای بهبهائی و آقای طباطبائی که تشریف دارند و آن این است که آقا ملک را که مال من است بمن میدهند یا میدهند اگر میدهند اسمش را بگذارند غصب سر اسم معطل شوید این هشت روز طول دارد اگر ملک را نمیدهند وقتی که اسمش را بگذارند غصب چه فایده دارد . اگر دهند و بگویند قربانت بشوم این قربانت بشوم به جیب آدم میرود؟ اگر ملک را بدهند و بگویند ای تخم جن بگیر و برو بهتر است سر الفاظ اینقدر معطل شویم بگذریم و برو

سر مواد و در آنجا مفصل صحبت میکنیم همه آقایان هم هستند .
 رئیس - آقای یمن اسفندیاری
 یمن اسفندیاری - بنده در جلسات گذشته اجازه خواسته بودم متأسفانه یا با خود یا بخود که عرایضی راجع به شکایات مالکین مازندران بعرض برسانم موفق نشدم فعلاً از قسمتی که مربوط باین مواد نیست صرف نظر میکنم تا بعد عرایض را عرض خواهم کرد . مقدمه خواستم در تأیید بیانات آقای دکتر سنک از مقام محترم ریاست تشکر کنم باینکه برای تشکیل جلسه امروز فاصله زیادی را قائل نشوند و برای اینکه زودتر تکلیف یک عده مردمان بیچاره بدبخت با نهایت علاقه مندی که همه مان داریم و متأسفانه اظهاراتی میشود که کار را بتأخیر می اندازد توجهی فرمایند باینکه جلسات زودتر تشکیل بشود (صحیح است) اینجا نظریات مختلفی اظهار شده آقای مؤید احمدی عقیده شان این بود که باید مجلس شورای ملی این املاک را بمردم پس بدهد . نماینده محترم دیگر آقای دکتر جوان عقیده شان این بود که محکمه اداری برای اینکار تشکیل شود در صورتیکه تصور میکنم راه حلش همین بوده است که این قانون به مجلس بیاید و از مجلس بگذرد و بالاخره آن حق که از یک مردمی غصب شده و بهر صورتی که از دستشان خارج شده است بتصرف آنها داده شود منظور از این اظهارات که میشود چیست ؟ یک مدتی یک قدرتی در این مملکت ظاهر شد و یک کارهایی کرد بدبختانه یک کارهای دیگری که بضرر کشور بوده است بضرر افراد بوجه است از آن قدرت ناشی شده اگر منظور این است که این ماده اول را تغییر دهیم برای اینکه یک تنبیهی برای این صاحب قدرت حاصل شود تصور میکنم موردی ندارد . اگر بخواهیم برای آتیه نظایر پیدا نکنند آنهم تصور میکنم که اگر استعداد و وضعیت خودمان را طوری قرار بدهیم که یک حکومتی را که طالب هستیم آن رویه را برای ما در نظر بگیرد احتیاج بآن گفتگوها ندارد و الا هر چه آقای طباطبائی فرمایند پشت این تریبون تا بنده خودم را اصلاح نکنم تصور میکنم که اگر یک اوضاعی پیش بیاید و یک قدرت دیگری بدست یک نفر دیگر داده

شود بنده یا ایشان یا دیگران باین صورتی که هستیم جبران کنیم . بالاخره ما چون نظارمان رسیدن با املاک است و یک مردمی الآن توی همین مجلس شورای ملی منتظر هستند چون از بیانات آقایان خیلی خوششان می آید مخصوصاً از بیانات بنده برای اینکه اظهار رأی میکنم ولی از اظهارات بنده و آقای دکتر سنک خیلی خوششان می آید برای اینکه تصور میکنند که و کیلشان باشیم برای اینکه آنها الآن میخواهند بروند عقب رعیتی عقب دردهای بی درمان عقب بدبختی هایی که در این چند سال پیدا شده ولی حالا آمده اند اینجا نشسته اند اینها برای تفریح که نیامده اند اینها آمده اند در مجلس شورای ملی که با فراد و کلایش که جلو چشمشان است تذکر بدهند که ما بدبخت ها که خودمان نماینده یک عده کثیر دیگری هستیم زودتر یک علاجی برای درد بیدرمان ما پیدا بکنید بنده از اینکه کمیسیون داد گستری با کمال جدیت مشغول این کار شده و با کمی که آقای وزیر داد گستری فرمودند این قانون از کمیسیون گذشت و به مجلس آمده و حالا هم در گذرندگان این قانون کمتر به فکر مکررات باشیم و کمتر در فکر اینکه بخواهیم یک تظاهری کرده باشیم صحبت کرده باشیم تصور میکنم این نظار البته میتوانم زودتر عملی بکنیم و موضوع دیگری که راجع است باین محکمه ای که تشکیل میشود این محکمه به تصویب مجلس شورای ملی که واضح این قانون است تشکیل میشود و بنده برخلاف بعضی آقایان نسبت به قضات فوق العاده نظر خوبی دارم (اورنگ - همه داریم) چرا برای اینکه قضاتی که الآن در جلو نظارمان هستند چه آقای وزیر داد گستری که در موقع وزارت آن وظیفه هایی که داشت انجام داد و آن اظهاری که باید بکنند کرد و بالاخره گرفتار یک قضایائی شد و در موقع قضاوت و مستشاری دیوان کشور هم همین شهامت را بروز داد و سایر آقایان قضات دیگری را هم در نظر داریم که ایشان وظیفه را انجام میدهند . (طباطبائی - ماده اول مطرح است) جنابعالی خیلی مطالب فرمودید و بنده ساکت بودم . منظور این است که این قضاتی که امروز معین میشوند

قطعاً وزارت داد گستری هم با نهایت دقت برای انجام مقاصد عمومی (که نسبت باین موضوع تمام مردم علاقه مند هستند که حق یک مشت مردم بهشان برسد) نهایت دقت را بعمل می آورند حالا آمدیم فرض میکنیم خدای نخواستہ بکنفری با غفلت کرد و یا یک حقی را نخواست ادا کند (اورنگ - من این فرض را نمیکنم) حالا اگر این فرض را هم خواستیم بکنیم این را عرض میکنم امروز روزی نیست که مجلس بنشیند و بقول آقایان بگوید قانون اوقاف بیاید و صحبتی شوانند بکنند امروز حاکم بر کشور و دولت و همه مملکت مجلس شورای ملی است و راه عرض و عرایض مردم هم برای مجلس شورای ملی باز است و اگر هم بیک اشکالی برخوردیم می توانیم در همین مجلس شورای ملی آن را حل کنیم و بنده تقاضا می کنم با توجهی که تمام آقایان نمایندگان نسبت باین موضوع دارند یک جدیت بیش از این بکنند و یک قسمت مردم را از این بدبختی نجات بدهند .

۴ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه |

بعضی از نمایندگان - ختم جلسه

مؤید احمدی - بنده یک توضیحی دارم

رئیس - بفرمائید

مؤید احمدی - عرض کنم آقای یمن اسفندیاری در جمله اول فرمایشاتشان فرمودند که مؤید احمدی گفت مجلس شورای ملی این املاک را مسترد کند بنده چنین عرضی نکردم

یمن اسفندیاری - تشکر میکنم

دکتر سنک - بنده یک پیشنهادی عرض کرده ام که برای عصری آقایان مرحمت فرمایند جلسه تشکیل شود رئیس - آقای دکتر سنک پیشنهاد کرده اند که جلسه امروز ساعت سه بعد از ظهر باشد (بعضی از نمایندگان - نمی شود) ولی بنده تصور می کنم با اینکه بنده خواهش کردم آقایان موافقت فرمایند که در اصل موضوع وارد بشوند و زودتر این مسئله خاتمه پیدا کند اگر تصویب فرمائید روز پنجشنبه جلسه تشکیل شود (صحیح است) بنا بر این جلسه روز پنجشنبه سه ساعت قبل از ظهر دستور هم همین لایحه

(مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری